

## عربستان سعودی و ایران: جنگ سرد جهان اسلام

سوزان کوئبل، سمیحه شافی و برنارد زند

اشپگل<sup>۱</sup>

۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۵ (۱۰ مه ۲۰۱۶)

ایران و عربستان سعودی دو دشمن سرسخت و در حال نبرد برای برتری در خاورمیانه (غرب آسیا) هستند و این نبرد را از طریق جنگ های نیابتی در یمن، سوریه و عراق پیگیری می کنند اما در عین حال هر دو کشور در داخل با مشکلات بسیار مشابه ای روبه رو هستند.

هیچکدام از روسای جمهور آمریکا تاکنون چنین بی حرمتی را در هنگام سفر به کشوری که نزدیک ترین متحد آمریکا در جهان عرب به شمار می رود تجربه نکرده بودند اما زمانی که باراک اوباما واسط آوریل وارد فرودگاه ریاض شد، ملک سلمان پادشاه عربستان سعودی ترجیح داد در کاخ خود بماند و در عوض شهردار ریاض برای استقبال از فردی که قدرتمندترین مرد جهان به شمار می رود، حاضر شد.

مراسم استقبال از اوباما به هیچ وجه تشریفاتی نبود و تلویزیون دولتی عربستان نیز ورود اوباما به ریاض را پوشش زنده نداد. اوباما به نظر در باند فرودگاه ریاض کاملاً شوکه بود اما تلاش داشت که این تعجب را با لبخند پنهان کند.

---

<sup>۱</sup> <http://www.spiegel.de/international/world/saudia-arabia-iran-and-the-new-middle-eastern-cold-war-a-۱۰۹۰۷۲۵.html>

پیام عربستان سعودی کاملاً آشکار بود: عربستان سعودی احساس می کند آمریکا این کشور را به حال خود رها کرده است و هیچ هراسی از نشان دادن نارضایتی خود نداشت. ماجرای این استقبال تنها یک ماجرای مربوط به صحنه دیپلماتیک بین المللی نیست بلکه نشان دهنده تغییرات عمده در صحنه ژئوپلیتیک و مناقشه فزاینده ای است که کل این منطقه را در بر گرفته است. این موضوع به جنگ سرد دوران ما تبدیل شده و عربستان سعودی در مقابل ایران قرار گرفته است، دو رقیبی که در تلاش برای برتری در منطقه هستند و به صورتی کاملاً واضح مشخص نیست آمریکا طرف کدام یک را گرفته است.

### **ابهام و تغییر سریع**

خاورمیانه (غرب آسیا) آنگونه که ما می شناسیم به صورت قابل توجهی در حال تغییر است و تهران و ریاض از دست کم یکی از طرف های حاضر در درگیری ها حمایت می کنند. عربستان سعودی - میزبان و نگهبان اماکن مقدس در مکه مکرمه و مدینه منوره - خود را خانه اسلام سنی می داند. جمهوری اسلامی ایران - که یک حکومت مذهبی شیعه محسوب می شود - ادعای رهبری شیعیان را دارد که سیزده درصد از مسلمانان جهان را تشکیل می دهند. از نظر هر دو رژیم، مذهب، ابزاری مهم برای قدرت محسوب می شود.

جنگ خونین کنونی - درگیری ها در سوریه - وارد ششمین سال خود می شود و تاکنون سبب کشته شدن بیش از دویست و پنجاه هزار نفر شد و به نظر نمی رسد آتش بسی که از دو ماه پیش در این کشور برقرار شد دیگر دوامی داشته باشد. در سوریه، و همچنین در درگیری

ها در عراق و یمن، سنی ها در مقابل شیعیان قرار گرفته اند. صلحی شکننده در لبنان و بحرین برقرار است، اما این صلحی است که در هر زمانی به سبب ناآرامی ها در هم شکسته خواهد شد.

همه جنگ های نیابتی و همه این درگیری ها سبب به راه افتادن موجی از مهاجرت در میان افرادی شده است که بی خانمان شده اند؛ بیش از شش میلیون نفر از سوریه و عراق و تقریباً سه میلیون نفر از یمن. و از میان ویرانه های خاورمیانه (غرب آسیا) هیولایی ظهور کرده است که در پی ایجاد ارباب در بروکسل، پاریس، استانبول و دیگر نقاط جهان است. این هیولا گروه (تکفیری صهیونیستی) داعش نام دارد. تاریخ نشان می دهد شبه نظامیان تروریستی سنی، ایران و عربستان سعودی را دشمنان خود قلمداد می کنند.

در اصل، تشدید تنش ها در خاورمیانه (غرب آسیا) به آمریکا و نقش آن در تغییر جهان مربوط می شود. باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا، پس از چند دهه خصومت با ایران، خواستار از سرگیری گفتگوها با این کشور شد و درباره یک معاهده هسته ای با تهران مذاکره کرد. امید می رود توافق هسته ای سبب محدود شدن توانایی ایران برای دست یابی به سلاح هسته ای شود و در عین حال، این امکان را فراهم آورد که این کشور بتواند با غرب وارد معاملات تجاری شود.

اما در همین حال، آمریکا ترجیح می دهد از این منطقه پیچیده و درگیر بحران خارج شود. تحولات کنونی نیز محصول همین روند است.

در همین حال، ایران در پی چند دهه انزوا، تمایل دارد موضع قبلی خود را درباره منطقه تغییر دهد. هر چه کشورهای بیشتری در خاورمیانه تحت کنترل شیعیان باشد، ایران احساس قدرت بیشتری می کند و عربستان سعودی احساس می کند بیش از پیش تحت فشار قرار گرفته است، کشوری که حاکمان آن زمانی به سبب معاهده با بنیادگرایان سنی - وهابیون - به قدرت رسیدند.

این جنگ سرد جدید بر دیگر کشورهای جهان نیز تأثیر می گذارد و سبب می شود در این باره به تحقیق و موشکافی پردازد که چه عاملی سبب می شود ایران و عربستان سعودی در مسیر تشدید تنش ها گام بر دارند. تیمی از خبرنگاران اسپیکل به هر دو کشور سفر کردند تا در این باره تحقیقاتی انجام دهند و با سیاستمداران، مقامات مذهبی، فعالان، روشنفکران و افراد عادی در خیابان ها گفتگو کنند.

### مناقشه میان شیعه و سنی

شهر عوامیه در ساحل محدوده ای آبی واقع شده است که یک طرف به آن خلیج عربی، و طرف دیگر به آن خلیج فارس می گویند. در عوامیه، این گونه به نظر می رسد که خود عربستان سعودی درگیر یک جنگ داخلی است. در مبادی ورودی این شهر ایست بازرسی با دیوارهای بتنی وجود دارد و خودروهای زرهی در مقابل آن پارک شده اند.

این دیوارهای بتنی را می توان در میدان اصلی عوامیه در اطراف پاسگاه پلیس، مرکز توزیع برق و دفتر شهرداری نیز مشاهده کرد. این عبارت ها بر روی این دیوارها نوشته شده است: «آنها ما را می کشند

زیرا ما شیعه هستیم. برو به جهنم. ما هرگز دست از تلاش بر نمی داریم. نمر (باقر النمر)، ما شما را هرگز فراموش نمی کنیم. نمر ما نمرده است».

در شب یکم ژانویه، عربستان سعودی روحانی شیعه نمر النمر را - که در عوامیه مستقر بود- به همراه چهل و شش زندانی دیگر - که بیشتر آنها به اتهام فعالیت های تروریستی مجرم شناخته شده بودند- اعدام کرد. این بزرگترین موج اعدام ها در عربستان سعودی در بیش از سه دهه بود.

عربستان سعودی نیز اقلیتی از شیعیان را در خود جای داده است که ده درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می دهند و نمر یکی از برجسته ترین نمایندگان این اقلیت بود. او از مخالفان شدید خاندان سلطنتی آل سعود بود و حاکمان این کشور را به سرکوب سیستماتیک شیعیان متهم می کرد. دولت عربستان سعودی این اتهامات را رد و نمر را به عنوان یک تروریست تحت کنترل ایران محکوم کرد. آنها اعلام کردند نمر عامل کشته شدن اعضای نیروی امنیتی عربستان سعودی است.

در پی اعدام نمر، آشوبگران به سفارت خانه عربستان سعودی در تهران حمله کردند و این اقدام سبب شد ریاض روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کند. تهران نیز دیپلمات های خود را از این کشور خارج کرد و سکوتی سرد بین دو کشور حاکم شد.

برادر این روحانی شیعه در دفتر خود در حومه عوامیه مستقر است. محمد النمر - که پنجاه و دو سال دارد- می گوید: «اعدام چهل و شش زندانی دیگر، بهانه ای برای کشتن برادر من بود.» محمد النمر

خشمگین یا آشفته به نظر نمی رسد بلکه او تقریباً محدود شده است. او گفت: «دیگر زندانیان از مدت ها قبل به اعدام محکوم شده بودند. شیخ نمر الهام بخش ما بود به ویژه برای جوانان».

این روحانی طی دوران حیات خود بارها دستگیر شد که جدیدترین آن در تابستان سال ۲۰۱۲ بود. قبل از بازداشت او در سال دو هزار و دوازده، نایف بن عبدالعزیز ولیعهد عربستان سعودی مرد و نمر فقط اعلام کرد: «کرم ها او را خواهند خورد و او در قبر دچار عذابی شدید می شود. آیا نباید درباره مرگ مردی خوشحال باشیم که سبب شده بود ما در ترس زندگی کنیم؟»

محمد النمر می گوید سخنان برادرش «یک موضوع است اما تروریسم موضوعی دیگر است.» محمد النمر یک تاجر است و با احتیاط سخنانش را بیان می کند. او حمله به سفارت خانه عربستان در تهران را محکوم و اعلام کرد: «من کسی هستم که کشورم را دوست دارم».

پسر هفده ساله محمد النمر پنج ماه قبل از بازداشت شیخ نمر دستگیر شد. طی بهار عربی، پسرش در اعتراضات شرکت کرد و در نتیجه به اعدام محکوم شد. علی النمر قرار است گردن زده و مصلوب شود. محمد النمر می گوید: «در این باره چه می توانم بگویم؟ پسر یک بچه بود که دستگیر شد.» او می گوید علی پسری باهوش بود که در دانشگاه ثبت نام کرده بود. او گفت: «اکنون او پنج سال است که در زندان به سر می برد.»

اعدام این روحانی شیعه و حکم ظالمانه ای که برای برادرزاده او صادر شد سبب بروز نگرانی هایی در سراسر جهان شد. اما این موضوع نشان می دهد عربستان سعودی از سوی ایران تحت فشار قرار گرفته است و

در واکنش به این فشار در حال به راه انداختن یک مناقشه حتی در کشور خود است. خاندان سلطنتی عربستان سعودی نشان دادن یک واکنش خطرناک به ایران را انتخاب کرده است.

اخیراً، این کشور از ابتکار عملی در سیاست خارجی خود خبر داد: ریاض در یمن -همسایه جنوبی عربستان- تهاجمی نظامی علیه شورشیان شیعه حوثی را آغاز کرد. اما با وجود ماه ها بمباران این کشور، این عملیات با شکست مواجه شده است و انتشار تصاویر شهرهای ویران شده و غیر نظامیان کشته شده تنها به ایران کمک می کند.

علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه پیشین ایران بار دیگر به عنوان پزشک فعالیت می کند. ساعت کمی از نه شب گذشته است و آخرین بیمار - که یک کودک هفت ساله است - به همراه والدینش مطلب را ترک می کنند.

ولایتی مشاور سیاست خارجی (آیت الله) علی خامنه ای رهبر معظم ایران است و این موضوع سبب شده است او به یکی از افراد چرخه درونی نظام تبدیل شود. در ماه فوریه، ولایتی برای مذاکره با ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه درباره تحولات در سوریه به مسکو سفر کرد. هم اکنون، او در عمل می خواهد درباره سیاست خارجی سخن بگوید. او از رابطه دوستی دو هزار ساله بین ایران و یمن سخن می گوید و خاطرنشان می کند هزار و پانصد سال پیش، ایران نیروهای خود را به جنوب شبه جزیره عربستان اعزام کرد تا با نیروهای اتیوپی که یمن را اشغال کرده بودند، مبارزه کند. او می گوید در نهایت «مهاجمان» شکست خوردند.

عربستان سعودی هم اکنون همانند اتیوپی آن زمان در یمن با «شکستی کامل» مواجه خواهد شد. حقیقت این است که عبدربه منصور هادی رئیس جمهور وقت یمن (رئیس جمهور سابق و فراری) فقط تحت حمایت عربستان سعودی قرار ندارد بلکه جامعه بین المللی نیز او را به رسمیت می شناسد. ولایتی می گوید دولت او (هادی) «غیر قانونی» است و به زودی «سرنگون خواهد شد».

عادل الجبیر وزیر امور خارجه عربستان سعودی نیز رویکردهایی در قبال منطقه دارد. او در ماه فوریه در گفتگو با اشپیگل اعلام کرد: «جنگ در یمن جنگی نیست که بر اساس خواسته ما باشد.» او گفت: «ما چاره دیگری نداشتیم. یک گروه شبه نظامی (شیعه) هم پیمان با ایران و حزب الله این کشور را تحت کنترل خود در آورد.» این مصاحبه در زمان برگزاری کنفرانس مونیخ در ماه فوریه انجام شد. یک روز قبل از آن، او با محمد جواد ظریف همتای ایرانی خود دیدار و درباره آتش بس در سوریه برای نخستین بار از زمان قطع روابط دیپلماتیک، گفتگو کرد.

تا آن زمان، این دو ترجیح می دادند لفاظی هایی را علیه یکدیگر انجام دهند. ظریف در مقاله ای در روزنامه نیویورک تایمز نوشت «حمایت فعالانه عربستان سعودی از افراط گرایی دلیل واقعی این تهدیدهای جهانی محسوب می شود.» او همچنین نوشت «راهبرد عربستان سعودی» دایمی کردن و حتی تشدید تنش ها در منطقه است. عادل الجبیر وزیر امور خارجه عربستان سعودی نیز در پاسخ به او ادعا کرد این عربستان سعودی نیست که از تروریسم حمایت می کند بلکه ایران در حال انجام چنین کاری است.



از نظر ریاض، اوضاع این گونه به نظر می رسد: ایران - که تقریباً هشتاد میلیون نفر جمعیت دارد - بیش از سه برابر عربستان سعودی جمعیت دارد و می خواهد قدرت برتر در خاورمیانه (غرب آسیا) باشد. این در حالی است که آمریکا در حال خارج شدن از این منطقه است. از این رو، احیای توازن قدرت در منطقه به عربستان سعودی بستگی دارد.

این موضوع در کانون سیاست خارجی جدید عربستان سعودی قرار دارد. برای کشوری که چند دهه است غرب آن را «شریکی راهبردی»، یک تأمین کننده نفتی قابل اتکا و یک بازیگر نظامی دفاعی می داند، این جدایی افراطی پیامدهایی در پی دارد.

### ریشه خصومت

این دو قدرت هرگز با چنین خصومتی با یکدیگر مواجه نشده بودند: دوره هایی از درک و حتی همکاری بین این دو وجود داشته است. حاکمان آنها در مجموع در اواسط قرن بیستم - زمانی که هر دو به تأمین کنندگان مهم نفتی برای غرب تبدیل شدند - روابطی خوب داشتند. آنها همچنین یک هم پیمان مشترک به نام آمریکا داشتند.

اما در اواخر دهه ۱۹۶۰ که شاه ایران و ملک فیصل پادشاه عربستان سعودی نامه هایی برای یکدیگر می نوشتند، رابطه دو کشور بسیار خوب بود. شاه ایران در اقدامی که به شاهزاده بندر بن سلطان سفیر سابق عربستان سعودی در آمریکا مربوط می شود، به پادشاه عربستان سعودی توصیه کرد از الگوی او برای ایجاد جامعه ای باز پیروی کند و به دختران و پسران اجازه دهد به صورت مختلط به مدرسه بروند. پادشاه عربستان سعودی در پاسخ برای شاه ایران نوشت: «اجازه می

دهید به شما یادآوری کنم که شما پادشاه فرانسه نیستید. بیشتر از نود درصد از مردم شما مسلمان هستند. این موضوع را فراموش نکنید.»

اما در سال ۱۹۷۹ در ایران اتفاقی رخ داد که پیامدهای آن در منطقه خاورمیانه (غرب آسیا) همچنان احساس می شود. (آیت الله) روح الله خمینی (ره) رهبر شیعه رژیم شاه را که تحت حمایت غرب قرار داشت، سرنگون کرد. دانشجویان به سفارت خانه آمریکا حمله کردند و این کشور، جمهوری اسلامی ایران خوانده شد. ایران خیلی زود درگیر جدالی خونین برای قدرت شد. دیری نپایید که جنگ با عراق تحت رهبری صدام آغاز شد.

عربستان سعودی از صدام و آمریکا حمایت کرد، کشوری که تا آن زمان روابط خوبی با ریاض و تهران داشت، این بار به سوی ریاض گرایش پیدا کرد. از این رو، آیا سال ۱۹۷۹، سالی خوب برای ریاض بود؟ دقیقا نه. در روز بیستم نوامبر، تروریست های سعودی مسجدالحرام را به اشغال خود در آوردند و هزاران زائر را به گروگان گرفتند. رهبر آنها خواستار سرنگونی پادشاه عربستان شده بود. خاندان سلطنتی چاره ای نداشت جز آن که از نیروهای امنیتی ویژه فرانسوی کمک بگیرد تا بتواند این مسجد را آزاد کند.

آل سعود تحقیر شده بود و شاهزاده های این کشور با ارسال میلیاردها دلار پول نفتی برای واعظان مذهبی در تلاش برای بهبود وجهه خود بودند، واعظانی که وهابی بودند.

از این رو، ۱۹۷۹، سالی نبود که تنها شاهد صادر کردن «انقلاب اسلامی» باشد، ایده ای که (آیت الله) روح الله خمینی (ره) آن را مطرح کرده بود. این همان سالی بود

که عربستان سعودی شروع به پاشیدن بذر افراط گرایی سنی کرد و حاصل آن همان چیزی است که در حال حاضر در پاکستان، در رقه - پایتخت داعش - و همچنین در غرب در ذهن مردان جوان سردرگم درو می کنیم. در خود عربستان نیز افراط گرایی سنی در حال حاضر خود این کشور را نیز تهدید می کند.

با گذشت هشت سال از اتفاقات در سال ۱۹۷۹، درگیری هایی مخرب بین معترضان ایرانی و نیروهای امنیتی در عربستان رخ داد که سبب کشته شدن چهارصد نفر شد. شاهزاده نایف - برادر پادشاه کنونی عربستان - ایرانی ها را در این زمینه مقصر دانست. او گفت این معترضان در تلاش برای بی حرمت کردن مسجدالحرام بودند. آیت الله خمینی (ره) از این اقدام خشمگین بود و خواستار سرنگونی حاکمان عربستان سعودی شد و آنها را «وهابیون منفور و بی خدا» توصیف کرد. این نشان ای واضح در این باره بود که ایران و عربستان سعودی همچنان در مناقشه بین اعراب سنی و فارس های شیعه درگیر خواهند بود.

در آغاز قرن شانزدهم بود که حاکمان فارس (ایران) اسلام شیعه را به عنوان مذهب رسمی خود انتخاب کردند. در همین حال، محمد بن عبدالوهاب - که در سال ۱۷۰۳ متولد شده بود - به شاخه ای بسیار بزرگتر از اسلام تعلق داشت. او مذهب وهابیت را بنیان گذاری و شیعیان را تحقیر کرد. در اواسط قرن هجدهم، آل سعود با این واعظ اعلام هم پیمانی کرد و وهابیت به یک دکتترین رسمی تبدیل شد. هم اکنون نیز در هر دو کشور، حاکمان از مذهب به عنوان ابزار کنترل و

اهرمی برای پیشبرد اهداف خود استفاده کنند و در هر دو کشور مناقشاتی بین اصلاح طلبان و محافظه کاران وجود دارد. بررسی جوامع این دو کشور نشان می دهد با وجود خصومت رسمی بین آنها، هر دو کشور با چالش هایی مشابه رو به رو هستند.

در روز ۲۶ ماه فوریه -روز برگزاری انتخابات مجلس خبرگان و دور نخست انتخابات پارلمانی در ایران- سیاست مداران برجسته ایران در یکی از مراکز اخذ رأی در شمال تهران در پای صندوق حاضر شدند. این مکان همان جایی است که آیت الله خمینی (ره) در زمان حیات میهمانان خود را می پذیرفت. هم اکنون نیز تصویری بزرگ از رهبر انقلاب بر روی دیوار این مکان به چشم می خورد.

نخستین رأی دهنده ای که در این شعبه حاضر شد، محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران بود. گفته می شود ظریف زمانی که کودک بود اجازه نداشت تلویزیون تماشا کند تا در معرض نفوذ فرهنگ سمی غرب قرار نگیرد. پس از او، اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور اسبق ایران بود. او به عنوان ثروتمندترین مرد در ایران نفوذی قابل توجه در دولت حسن روحانی رئیس جمهور ایران دارد. گفته می شود دولت مسئولیت اجرای ایده های مورد نظر رفسنجانی مبنی بر آزادسازی اقتصاد توأم با کنترل مذهبی است.

پس از او حسن خمینی -نوه رهبر انقلاب- و محمد خاتمی رئیس جمهور سابق ایران -مردی که بسیاری از ایرانی ها همچنان او را یک اصلاح طلب می دانند- در حوزه اخذ رأی حاضر شدند. رژیم او را از انجام مصاحبه و حضور در ملاءعام منع کرده است اما او در هر حال در محل اخذ رأی حاضر شد. با وجود اختلاف نظرها، نخبگان ایرانی

همگی بر سر یک موضوع اشتراک نظر دارند: انقلاب سبب شد آنها به جایگاه کنونی خود برسند.

(آیت الله) علی خامنه ای رهبر معظم ایران بر همه چیز کنترل دارد. او درباره موضوعات تصمیم گیری می کند اما به هنگام تصمیم گیری مراکز مختلف قدرت به ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در نظر می گیرد. این سازمان شبه نظامی خود کشوری در درون یک کشور است و بیش از هر نهاد دیگری در ایران قدرتمند است. عوامل سپاه در همه جا حضور دارند و این نهاد نه تنها بر همه ارگان های امنیتی کنترل دارد بلکه بر بخش بزرگی از اقتصاد ایرانی استیلا دارد.

این دیکتاتوری یک نظام قدرتمند مذهبی است اما بر خلاف رژیم سلطنتی عربستان سعودی این کشور همچنان به مردم اجازه حضور در امور را می دهد. مقامات انقلابی ایران ترجیح می دهند نظامشان یک «دموکراسی اسلامی» باشد و در این کشور انتخابات برگزار می شود حتی اگر نامزدهایی تأیید شده انتخاب شوند. این سیستمی است که در آن، نهادهای مختلف در این باره قضاوت می کنند که چه کسی به اندازه کافی باورهای اسلامی برای شرکت در انتخابات را دارد. دیگر افراد باید به حاشیه رانده شوند همانند اتفاقی که برای بیشتر افراد اصلاح طلب در انتخابات امسال رخ داد. اصلاح طلبان واقعی که از آزادی بیان بیشتر، و وجود یک دستگاه قضایی مستقل حمایت می کنند در زندان به سر می برند.

**عربستان سعودی نیز به نوبه خود حتی ادعا نمی کند که یک دموکراسی است. جمال خاشقجی یکی از مفسران**

**برجسته سیاسی در عربستان سعودی می گوید: «اگر دموکراسی یک دارو است در آن صورت ما بیمار نیستیم».**

تا زمان مرگ ملک عبدالله در اوایل سال ۲۰۱۵، ساختار قدرت در عربستان سعودی ساختاری ایستا بود اما از آن زمان به بعد، آنها تغییرات اساسی را در پیش گرفتند. جانشین او یعنی سلمان بن عبدالعزيز - که هشتاد سال دارد - چند روز پس از تکیه زدن بر کرسی پادشاهی در عربستان سعودی، بیشتر مشاوران مهم خود را اخراج کرد و سپس مسیر انتخاب جانشین را تغییر داد و شاهزاده محمد بن نایف پنجاه و شش ساله - که وزیر کشور باتجربه ای است - را به عنوان ولیعهد انتخاب کرد. او متعاقباً پسر سی ساله خود یعنی محمد بن سلمان را به عنوان جانشین ولیعهد و وزیر دفاع این کشور انتخاب کرد. محمد بن سلمان نه تنها مسئولیت امور نظامی را بر عهده دارد بلکه به عنوان رئیس شورای امور اقتصادی و توسعه مسئولیت ذخایر نفتی این کشور را بر عهده دارد. خاشقجی می گوید: «از نظر تئوریک، تیم او قدرت کامل را در دست دارد.»

اما تاکنون، دولت جدید رویکردی محتاطانه اتخاذ کرده است. دولت به طور مداوم در تلاش برای ابراز اطمینان از این موضوع است که از حمایت قبایل قدرتمند و حتی روحانیون قدرتمندتر برخوردار است. خاشقجی می گوید برای حفظ انسجام این اقدام ضرورت دارد.

در زمینه مناقشه با ایران، حتی خاشقجی اذعان می کند این جدال تا چه اندازه خطرناک است. او گفت: «ایران و ما، مثل دینامیت هستیم. باید خاورمیانه را در صدر اولویت ها قرار داد. از نظر من، باید یک کنفرانس یالتای دیگر برگزار شود. باید کاری کرد.»

## نقش جدید زنان

با وجود روحانیون، شاهزاده ها و پلیس اخلاقی (هیئت امر به معروف و نهی از منکر)، مدرنیته در هر دو کشور در حال ترویج است. این موضوع به ویژه با تغییر نقش زنان در جامعه نمود پیدا می کند. جایگاه زنان در ایران افزایش یافته است تا جایی که شهیندخت مولاوردی به عنوان معاون رئیس جمهور ایران انتخاب شده است. مولاوردی یک زن فعال است اما او چادر بر سر می کند تا جایی که بخشی از صورتش را می پوشاند.

زمانی که رئیس جمهور ایران ترکیب دولت را در تابستان سال ۲۰۱۳ انتخاب کرد، مولاوردی از روحانی آشکارا انتقاد کرد. او گفت: «چرا سهم زنان در فهرست سی و سه نفره اعضای دولت صفر است؟ چرا او به زنان اعتماد ندارد؟» دو ماه بعد، او به عنوان یکی از معاونان روحانی انتخاب شد.

مولاوردی به عنوان معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهور سمتی معادل وزیر امور خانواده را در ایران بر عهده دارد حتی اگر پارلمان محافظه کار کنونی هرگز او را برای این سمت تأیید نکند. مولاوردی یک فمینیست های مترقی محسوب می شود. او هرگز اشکارا از سیستم انتقاد نکرده اما گفته می شود او خواستار اجرای اصلاحاتی در قوانین مرتبط با ارث و کیفری در کشور است که سبب اعمال تبعیض هایی علیه زنان می شود. برای مثال، شهادت یک زن در ایران نصف شهادت یک مرد محسوب می شود. دختران تنها می توانند نصف

پسران ارث ببرند. در همین حال، شصت درصد از دانشجویان در ایران را دختران تشکیل می دهند.

## زنان پیشگام

زمانی که زنان در عربستان سعودی خواستار حضور در جامعه می شوند این درخواست می تواند در برخی شرایط سبب به حاشیه راندن مردان شود. بر روی در شرکت هدی الجرایسی نوشته ای قرار داده شده با این مضمون که مردان اجازه ورود ندارند. در داخل ساختمان این شرکت در ریاض، زنان پشت رایانه ها نشسته اند. آنها جین و بلوز بر تن کرده اند و آرایش دارند. آنها اقدام به آموزش و تدریس زبان برای زنان می کنند.

اگر مردان وارد این ساختمان شوند، زنان باید در یک اتاق قرار بگیرند و حجاب بر سر کنند و موهای خود را بپوشانند. بسیاری از آنها صورت های خود را نیز می پوشانند.

الجرایسی می گوید: «آنها در اینجا آزادند روسری خود را بر دارند.

برای ما مهم است که زنان در این جا احساس راحتی داشته باشند.»

او یک زن پیشگام است، یکی از بیست زن در عربستان سعودی که در انتخابات ماه دسامبر در شوراهای محلی و شهرداری توانست به پیروزی برسد. این نخستین بار است که زنان در عربستان سعودی اجازه حضور در انتخابات به عنوان نامزد سیاسی را یافتند. همچنین زنان در این کشور برای نخستین بار اجازه یافتند در انتخابات رأی دهند.



علاوه بر الجریسی، دو زن دیگر نیز توانستند در انتخابات شورای شهر ریاض رأی بیاورند. او می گوید جالب است که دو زن دیگر نیز صورت خود را به طور کامل می پوشانند.

او گفت: «من به این نتیجه رسیده ام که ما به عنوان زن اگر پوشش خود را رعایت کنیم آسان تر می توانیم به اهداف خود دست یابیم. مردان بیشتر به ما گوش می دهند و به ما اعتماد می کنند.»

طی برگزاری نشست شورای شهر، این زنان در اتاقی جداگانه می نشینند و از طریق بلندگو با مردان گفتگو می کنند. الجریسی ادعا می کند این موضوع مشکلی برای آنها ایجاد نمی کند. او گفت: «برای تغییر به زمان نیاز است.» او می گوید شرایطی که در حال حاضر ممکن شده است «اگر بیست سال پیش حرفش به میان می آمد، یک جنگ داخلی رخ می داد.»

زنان در عربستان سعودی همچنان اجازه رانندگی ندارند. آنها در مقایسه با مردان از تحصیلات بالاتری برخوردارند. برای مسافرت به اجازه ولی نیاز دارند. تنها پانزده درصد از زنان در عربستان سعودی هم اکنون شاغل هستند و این رقم در حال افزایش است.

عربستان سعودی همچنان می تواند بر اساس درآمدهای خود در سال های گذشته - که بهای نفت در بازارهای بین المللی بالا بود - به حیات خود ادامه دهد. در همین حال، این کشور عملیات نظامی - پرهزینه - در یمن حضور دارد. **عربستان سعودی همچنین به عمد در حال تولید نفت اضافی برای پایین نگه داشتن بهای نفت در بازار و آسیب زدن به اقتصاد ایران است.**

این اقدام بهای گزافی برای عربستان در پی داشته است. کسری بودجه سال دو هزار و پانزده عربستان سعودی حدود صد میلیارد دلار بود. اگر اوضاع تغییر نیابد، پیش بینی می شود این کشور ذخایر ارزی کنونی خود را ظرف پنج سال به اتمام برساند.

برخی از طرح های جاه طلبانه این کشور در زمینه ساخت و ساز - همانند احداث «شهر اقتصادی» در دریای سرخ و همچنین ایجاد منطقه اقتصادی در ریاض - به کندی در حال انجام هستند.

### گام بعدی متنوع کردن اقتصاد است

اما حتی اگر بهای نفت در بازارها بار دیگر با افزایش همراه شود، ذخایر نفتی عربستان سعودی همانند ایران محدود است. هر دو کشور به خوبی از این موضوع آگاهند که اتکای آنها به منابع معدنی یک مشکل محسوب می شود.

هر دو کشور با مشکلاتی مشابه مواجه هستند که شامل اقتصادی نامتوازن و جمعیتی جوان که خواستار گشایش، انعطاف پذیری و همچنین اجرای اصلاحات اجتماعی و سیاسی است. بهار عربی نشان داد که افراد ناراضی می توانند حتی تندروترین دیکتاتوری ها را در خاورمیانه (غرب آسیا) سرنگون کنند، موضوعی که سبب بروز هشدارهایی برای حاکمان ایران و عربستان سعودی شده است. شاهزاده محمد بن سلمان در واکنش به این تحولات از تغییرات قابل توجهی خبر داده است. تولید نفت مجرای حیاتی عربستان سعودی محسوب می شود اما هم اکنون هدف متنوع کردن اقتصاد عربستان سعودی است.

تلاش ها در این زمینه شامل اجرای برنامه مدرنیزه کردن بخش های مختلف و خصوصی سازی برخی بخش ها از جمله فروش بخشی از سهام شرکت ملی نفت عربستان سعودی موسوم به سعودی آرامکو می شود. به عنوان بخشی از این اصلاحات، عربستان سعودی علی النعیمی وزیر نفت خود را روز شنبه برکنار کرد.

این در حالی است که شرایط سیاسی بی ثبات در ایران و عربستان، جاه طلبی آنها برای جذب سرمایه گذاری خارجی، فرصتی را برای غرب فراهم می کند. کشورهایی همانند آلمان که روابط تجاری خود را با عربستان سعودی حفظ کرده اند، هم اکنون نیز در حال افزایش روابط تجاری با ایران هستند. این کشورها می توانند از این نفوذ در جهت سیاسی نیز استفاده کنند. چنین شرایطی می تواند به متوقف شدن روند نابودی خاورمیانه (غرب آسیا) و گسترش فعالیت های تروریستی کمک کند.

عربستان سعودی کشوری جوان و قدرتمند و هم پیمان غرب است. در حالی که ایران به توافق هسته ای با قدرت های جهانی دست یافته است کشوری جوان و پویا محسوب می شود و هم اکنون می تواند در سطح عربستان با جهان تعامل کند.

غرب همواره خاورمیانه را یک منطقه بحران قلمداد کرده است اما جدال بین عربستان سعودی و ایران تنها شامل مناقشات تعصب آمیز نمی شود. اما غرب نباید بین ایران و عربستان سعودی اقدام به انتخاب هم پیمان برای خود کند. ایران و عربستان سعودی شریک هایی ایده آل نیستند. هر دو کشور اقدام به شکنجه زندانیان مخالف و تعیین مجازات های شدید برای جرایم کوچک می کنند.

آمریکا همواره از نفت خاورمیانه بهره مند بوده و بر مسائل سیاسی در این منطقه اعمال نفوذ کرده است. واشنگتن پس از مأموریت های شکست خورده در افغانستان و عراق، هم اکنون ترجیح می دهد منطقه را ترک کند اما این اقدام نیز اشتباه بوده است زیرا چنین کاری سبب ایجاد خلاء شد که اخیرا روسیه با حضور در سوریه آن را پر کرده است.

واشنگتن باید سریعا روابط خود را با عربستان سعودی بهبود بخشد. به منظور حل مشکلاتی همانند درگیری ها در سوریه، غرب باید روند برگزاری مذاکرات مستقیم را بین ایران و عربستان تسهیل کند. به منظور اعمال فشار بر مقامات دو کشور، اروپا دو اهرم قدرتمند در اختیار دارد: پانصد میلیون مصرف کننده که در اتحادیه اروپا زندگی می کنند و احتمال اعمال کنترل های شدیدتر بر صادرات تجهیزات دفاعی.

### آیا نشانه هایی از امید دیده می شود؟

پرچم جمهوری اسلامی همچنان در پنجره های سفارت خانه متروکه این کشور در ریاض در اهتزاز است. در تهران، سفارت خانه عربستان سعودی همچنان توسط موانع فولادی مسدود شده است. مقامات شهر نام خیابان منتهی به سفارت خانه عربستان را در تهران تغییر داده اند: نام این خیابان هم اکنون شهید نمر است.

**به نمی رسد ایران و عربستان سعودی آماده ارائه پیشنهادهای به یکدیگر باشند. پیش بینی می شود سوئیس هم اکنون برای میانجیگری وارد عمل شود. دیپلمات های**

سوئسی پس از سی سال انتقال پیام بین ایران و آمریکا،  
آماده ایفای چنین نقشی بین ریاض و تهران هستند.  
در پی دست یابی به توافق هسته ای به نظر می رسد برای  
مدت زمان کوتاهی مأموریت سوئیس در تهران به پایان  
رسیده است. اما در حال حاضر به آنها بیش از گذشته نیاز  
است.